



The Effect of Belief in Monotheism on Production in the Declaration of the Second Step from the Perspective of Imam Ali (A.S) *

Mohsen Khoshfar^۱

Nayyereh Ahmadi Gurkani^۲

Ali Akbar Khoddamiyan Arani^۳

Meysam Farhangian^۴

Abstract

Human behavior is constantly following their beliefs and worldview. In economic societies, human beings make economic decisions and act according to their beliefs and intellectual principles, and the economy that governs societies is not separate from their thoughts and ideas. The intellectual and theoretical underpinnings of the teachings and behaviors of economics and the worldview that governs them are the same doctrinal foundations that the subject of these teachings is the Almighty God and His attributes, the universe, humans and society. In this study, those divine teachings that have an effect on human economic behaviors in the field of production, which is the same belief in monotheism in production, are considered from the perspective of Imam Ali (A.S). To achieve this goal, the effect of belief in monotheism in production has been expressed by quoting some narrations of Imam Ali (A.S) according to the declaration of the second step of the Islamic Revolution. In the Supreme Leader's order in the declaration of the second step of the revolution, the issue of the economy has been mentioned as a key and decisive point in the Islamic society. Also, from the studies and researches done in this research, it can be concluded that the monotheist human-being in this school in the field of production believes that it is possible to orient the production goal, pay attention to work and strive for production and create economic security in production. The value and productivity and regularity of women in production made progress in production. It also developed and organized the agricultural, industrial and trade sectors by creating security in employment and by expanding productive employment in production.

Keywords: Production, Economy, Monotheistic Economy, Work in Nahj al-Balaghah, Declaration of the Second Step of the Revolution.

*. Date of receiving: ۰۲,۰۹,۲۰۲۱ -Date of approval: ۱۹,۱۲,۲۰۲۱.

۱. Assistant Professor, Department of Hadith Sciences, Al-Mustafa International University, Qom (mohsenkhoshfar@yahoo.com)

۲. Master in Nahj al-Balaghah, Quran and Hadith University of Rey City, Corresponding Author; (n_ahmmadi@yahoo.com)

۳. Assistant Professor, Department of Hadith Sciences, Al-Mustafa International University, Qom (khoddamiyan@gmail.com)

۴. Lecturer of the General Department of the Quran and Hadith Educational Complex, Al-Mustafa International University, Qom.



تأثیر اعتقاد به توحید در تولید در بیانیه گام دوم از منظر امام علی علیه السلام *

محسن خوش‌فر^۱ - نیره احمدی گرکانی^۲ - علی‌اکبر خدامیان آرانی^۳ - میثم فرهنگیان^۴

چکیده

رفتار انسان‌ها، پیوسته پیرو معتقدات و جهان‌بینی آنها صورت می‌گیرد. در جوامع اقتصادی نیز انسان‌ها با توجه به معتقدات و اصول فکری خود تصمیمات اقتصادی گرفته و بر اساس آن رفتار می‌کنند و اقتصاد حاکم بر جوامع نیز جدای از افکار و عقاید آنان نیست. زیربنا و تکیه‌گاه فکری و نظری درباره آموزه‌ها و رفتارهای اقتصادی و جهان‌بینی حاکم بر آن، همان مبانی اعتقادی می‌باشد که موضوع این آموزه‌ها، خداوند متعال و صفات او، جهان هستی، انسان و جامعه است. در این پژوهش آن دسته از آموزه‌های الهی که در رفتارهای اقتصادی انسان در حوزه تولید تأثیر دارد که همان اعتقاد به توحید در تولید است، از منظر امام علی علیه السلام مورد توجه می‌باشد. برای نیل به این مقصود، تأثیر اعتقاد به توحید در تولید با استناد به برخی روایات امام علی علیه السلام با توجه به بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی بیان گردیده است. در فرمایش مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم انقلاب، به مسئله اقتصاد به‌عنوان نقطه کلیدی و تعیین‌کننده در جامعه اسلامی اشاره شده است. همچنین از مطالعات و بررسی‌های انجام شده در این پژوهش می‌توان به این نتیجه رسید که انسان موحد در این مکتب در حیطه تولید معتقد است که می‌توان با جهت‌دهی به هدف تولید، توجه‌دادن به کار و تلاش در جهت تولید و ایجاد امنیت اقتصادی در تولید به سمت ارزشی شدن و بهره‌وری و قاعده‌مند شدن زنان در کار تولید به پیشرفت در زمینه تولید رسید. همچنین با ایجاد امنیت در اشتغال و با گسترش اشتغال مولد در تولید، بخش کشاورزی و صنعت و تجارت را توسعه و سروسامان داد.

واژگان کلیدی: تولید، اقتصاد، اقتصاد توحیدی، کار در نهج البلاغه، بیانیه گام دوم انقلاب.

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۶/۱۱ و تاریخ تأیید: ۱۴۰۰/۰۹/۲۸.

۱. استادیار گروه علوم حدیث، جامعة المصطفی العالمیة، قم؛ (mohsenkhoshfar@yahoo.com).

۲. کارشناس ارشد، رشته نهج البلاغه، دانشگاه علوم قرآن و حدیث شهر ری، (نویسنده مسئول)؛ (n_ahmmadi@yahoo.com).

۳. استادیار گروه علوم حدیث، جامعة المصطفی العالمیة، قم؛ (khoddamiyan@gmail.com).

۴. دانشجوی دکتری رشته حدیث تطبیقی جامعة المصطفی العالمیة، قم؛ (farhangian@imam.miu.ac.ir).





مقدمه

اقتصاد، علم بررسی چگونگی تولید، توزیع و مصرف کالاها و همچنین دانش مربوط به بررسی نتایج این فعالیت‌ها است. رفتار انسان‌ها در جوامع اقتصادی بدون تردید به معتقدات و اصول فکری آن‌ها بستگی دارد و اقتصاد حاکم بر جوامع، جدا از افکار و عقاید آنان نیست. نوع رفتارهای انسان در عرصه اقتصاد، از باورهای او به جهان هستی، خداوند متعال، جهان آخرت، مفهوم سعادت و... ناشی می‌شود. زیربنا و تکیه‌گاه فکری و نظری رفتارهای اقتصادی و جهان‌بینی حاکم بر آن، همان مبانی اعتقادی است. اعتقاد به توحید در حیطه تولید و آموزه‌های الهی در رفتارهای اقتصادی انسان تأثیر نقش‌آفرینی دارد. تحقیق پیش رو که به روش توصیفی و تحلیلی و با جمع‌آوری اطلاعات به شیوه کتابخانه‌ای تدوین شده به نقش اعتقاد به توحید در تولید پرداخته است.

توحید به معنای پذیرش و اعتقاد به وجود و یگانگی خداوند در ذات، صفات، افعال می‌باشد. در این پژوهش، مراد از توحید، هر سه مرتبه توحید یعنی توحید در ذات، توحید در صفات و توحید در افعالی می‌باشد. توحید در اقتصاد به این معناست که در ورای نظام سبب و مسببی قدرت نامتناهی قرار دارد که جهان را بر اساس حکمت و عدل تدبیر می‌کند. به عبارت دیگر اعتقاد به توحید افعالی در حیطه تولید، بررسی می‌کند که این اعتقاد چه تأثیری در تولید دارد و اینکه تولید هر کالایی و هر محصولی توسط خداوند انجام می‌پذیرد و واسطه‌ها در اراده طولی اوست و توجه انسان به اسباب مادی تولید، توجه واسطه‌ای است نه اصلتی. اعتقاد به توحید به این سؤال پاسخ می‌دهد که چگونه می‌توان در حیطه تولید از کم‌کاری، تبعیض و نابرابری حقوق و افزایش نقدینگی و غیره جلوگیری کرد؟ و چگونه می‌توان زمینه کار و تلاش، امنیت اقتصادی، توسعه و گسترش درآمد، ایجاد صنعت و تجارت و... در تولید فراهم نمود. چنین انسانی خداوند را فاعل حقیقی می‌داند و خداوند را ایجادکننده زمینه‌های رزق در حیطه تولید به‌شمار می‌آورد.

در کلام مقام معظم رهبری، اقتصاد به‌عنوان یک نقطه کلیدی تعیین‌کننده معرفی شده و اقتصاد قوی، نقطه قوت و عامل مهم سلطه‌ناپذیری و نفوذناپذیری کشور و اقتصاد ضعیف، نقطه ضعف و زمینه‌ساز نفوذ و دخالت دشمنان است. از طرف دیگر انقلاب اسلامی نیز راه نجات از اقتصاد ضعیف و وابسته و فاسد دوران طاغوت را به ما نشان داده است (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۷: ص ۳۹). پس، انقلاب اسلامی در واقع نظریات اقتصادی خود را به پشتوانه معارف قرآنی و حدیثی به جامعه



اسلامی عرضه کرد. یکی از مهمترین منابعی که می‌توان برای کسب نظریات اقتصادی اسلامی استفاده کرد، کتاب شریف نهج البلاغه و کلمات امیرالمؤمنین علیه السلام است. سخنان امام علی علیه السلام نشان از اهتمام ویژه آن حضرت نسبت به تولید می‌باشد. به‌طور مثال در حدیثی می‌فرمایند: «تجارت کنید و به کار و تولید روی بیاورید تا از آنچه در دست دیگران است بی‌نیاز شوید» (کلینی، ۱۴۰۷: ۱۴۸/۵).

امروزه برای اینکه بتوان انقلاب اسلامی را در زمینه اقتصادی با نظریات و رویکردهای اسلامی پیش برد و گام دوم انقلاب را هرچه با ثبات‌تر و قوی‌تر پیمود، لازم است با مراجعه به منابعی همچون کلمات امیرمؤمنان علیه السلام، دیدگاه‌های اسلام را بیان کرد تا از پرتو آن نقش توحید و خداباوری در اقتصاد کشف گردد. رویکرد به بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی رهنمود دیگری برای کشف نظریات اسلامی است که در این تحقیق در نظر گرفته شده است.

اقتصاد اسلامی با توجه به منابع دینی، فراوان مورد بحث قرار گرفته، اما مقالاتی با عناوین توحیدی و اقتصادی به‌صورت بسیار محدود کار شده و در زمینه تأثیر توحید در تولید از دیدگاه امام علی علیه السلام پژوهشی مشاهده نشد. در برخی پایان‌نامه‌ها، محورهای اقتصادی در نهج البلاغه کار شده، اما ناظر به کلام امام علی علیه السلام و تأثیر توحید در تولید نیستند. همچنین درباره بیانیه گام دوم مقام رهبری در این باره پژوهشی دیده نشد.

پژوهش پیش رو ابتدا اشاره‌ای به تعریف تولید و هدف از اعتقاد به توحید بیان می‌گردد و سپس تأثیر اعتقاد به توحید در تولید از منظر امام علی علیه السلام تبیین می‌گردد.

تعریف تولید و هدف از اعتقاد به توحید

عمل ترکیب عوامل به‌منظور به‌دست آوردن محصول را تولید نامند. تولید، ستون فقرات هر جامعه‌ای محسوب می‌شود. در اینجا دو مقوله فرآیند تولید و عوامل تولید بیان می‌شود، تا پدیده تولید آشکار گردد.

فرآیند تولید: به فرآیندی که طی آن در یک کارگاه یا کارخانه محصولی نیمه‌کاره یا ماده اولیه به محصول نهایی تبدیل شود، را فرآیند تولید گویند. (طهماسبی و همکاران، ۱۳۹۶: ۵).

عوامل تولید: عبارتند از:



- موادّ اولیّه: یعنی موادّی که از طبیعت برداشت می‌شود. شامل: موادّ اولیّه موجود در سطح زمین. مانند: آب، جنگل. موادّ اولیّه موجود در روی زمین. مانند: خورشید، باد. موادّ اولیّه موجود در زیر زمین. مانند: نفت، معادن.
 - سرمایه: عامل تولید است که خودش قبلاً تولید شده است.
 - کار: برای به‌دست آوردن محصول، مجموعه فعالیت‌هایی که روی عوامل تولید انجام می‌شود را کار گویند. (محمّدی و همکاران، ۱۳۹۶: ۸۷)
- بنابراین ترکیب عوامل تولید با استفاده از فرآیند تولید، تولید حاصل می‌شود. در این میان لازم است هدف تولید، اهمیت به تولید و حمایت از تولید از منظر امام علی علیه السلام بیان گردد. امام علی علیه السلام در خطبه ۹۱ نهج البلاغه چنین می‌فرماید: «خداوند، حضرت آدم را بعد از توبه، از بهشت فرو فرستاد تا با کمک نسل خود، زمین را آباد سازد» (سید رضی، خطبه ۹۱).
- «تعبیر به عمران و آبادسازی به وسیله آدم و نسل او نشان می‌دهد که باید هدف همه انسان‌ها عمران و آبادی زمین باشد، نه تخریب آن به وسیله جنگ‌ها و اختلافات ویرانگر و یا تنبلی و سستی و بیکاری و یا حتی تخریب محیط زیست! و جالب اینکه این عمران و آبادانی بعد از توبه صورت گرفته و تا انسان از خطاهای خود توبه نکند، توفیق این عمران و آبادی دست نمی‌دهد» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۵: ۱۵۹/۴).
- علامه نیز می‌گوید: حضرت آدم اول توبه کرد و بعد خداوند توبه‌اش را پذیرفت و بعد از آن او را فرستاد تا تولید نسل کند و نیز به واسطه تولید نسل زمین را آباد کند. نتیجه می‌گیریم که در واقع یکی از اهداف یا ثمرات توحید در عبودیت که توسط خداوند متعال بیان شده، ایجاد تولید است. تولید نسل و ساختن یا آباد کردن همان تولید می‌باشد. «لِیَعْمُرَ» لام غایت بوده و هدف از این توحید می‌توان گفت تولید است، یعنی ما آمده‌ایم توحید را بپذیریم تا در عالم مشغول به تولید شویم.
- بنابراین، انسان در چرخه تولید، عاملی اساسی است که باید در به‌دست آوردن تکنولوژی و به‌کارگیری فن تولید که عامل سرنوشت‌ساز زندگی‌اش محسوب می‌شود، تلاش و کوشش نماید (نظری، ۱۳۸۱: ۹).



تأثیر اعتقاد به توحید در تولید از منظر امام علی (ع)

اعتقاد به توحید از منظر امام علی (ع) تأثیرات بسیار عمیقی در تولید و بالطبع در اقتصاد جامعه دارد که توجه به آن‌ها، موجب توسعه‌یافتگی جامعه شده و آثار متعددی دارد که در این بخش ارائه می‌گردد.

۱. جهت‌دهی به هدف تولید

تولید اگر برای خدا باشد، در اقتصاد اسلامی، نزد الهی پاداش دارد؛ زیرا انسان به‌خاطر آخرت به‌دنبال کار و تلاش و تولید می‌رود و ارتباطش بدین‌گونه است که تولید در دنیا، عبارت است از مال و فرزند و انسان، مال و فرزند را برای پاداش آخرت به‌کار می‌گیرد. بر خلاف دیگرانی که تولیدمثل می‌کنند برای خوشی‌های دنیایشان. اما یک مسلمان، کسی که معتقد به توحید است، تولید مثل می‌کند برای هدفی که قرآن و روایات بیان نموده‌اند و بدین‌وسیله انسان برای مصالح بشریت، می‌سازد و آباد می‌کند. به‌عبارتی، زمین بایر را کشت می‌کند، کارخانه بنا می‌کند و تأسیسات می‌سازد و همه هدف و تلاشش خشنودی خداوند است که در این صورت، خداوند پاداش دنیا و ثواب آخرت را برایش منظور می‌کند. بر این اساس، این‌گونه به‌نظر می‌رسد که تولید مال و ثروت به‌تنهایی ارزشی ندارد، همان‌گونه که از فرزندان به‌تنهایی سودی حاصل نمی‌شود، اما زمانی که برای هدفی والا تر باشد، نتیجه‌اش عمل صالح و کار نیک می‌شود. این همان نکته‌ای است که خداوند در جای جای قرآن درباره‌ی تولید در دنیا فراموش خواند و امیرمؤمنان (ع) نیز بر آن تأکید دارند (حائری، ۱۳۷۸: ۴۳). قرآن کریم می‌فرماید: «در آنچه که خداوند به تو ارزانی داشته، سرای آخرت را بجوی و بهره خویش را از دنیا فراموش مکن» (قصص: ۷۷).

این آیه بیان می‌دارد تولیدی که انسان در دنیا انجام می‌دهد باید در جهت کسب آخرت باشد. انسان نمی‌تواند در همه شئون زندگی از جمله در تولیداتش آخرت را فراموش کند اگرچه که از دنیا هم برای امر تولیدش استفاده می‌کند.

امام علی (ع)، مسلمان متعادل که ثواب دنیا و آخرت را در خود جمع می‌کند این‌گونه وصف می‌کند: «مسلمانی که از خیانت به دور است، در انتظار یکی از دو خوبی از سوی خداست: یا منتظر فرارسیدن دعوت الهی (که عمر او را به نیک نامی و حسن عاقبت پایان می‌دهد) و در این حال، آنچه را خداوند از پاداش‌های نیک فراهم ساخته، برای او بهتر است و یا سرانجام، در همین دنیا، خداوند، رزق او را وسیع می‌کند و صاحب همسر و فرزند (و مال فراوان) در عین این، دین و شخصیت خود را نیز



حفظ کرده است ولی (بدانید فرق میان این دو بسیار است). مال و فرزندان، کشت و زراعت این جهانند و عمل صالح و نیک، کشت آخرت است، اما گاهی خداوند، هر دو را برای گروهی جمع می کند (و از نعمت های دنیا و آخرت هر دو، بهره مند می سازد) که گاهی پروردگار هر دو متاع را به گروهی عنایت می فرماید» (سید رضی، خطبه ۲۲).

حرث، کشت و یا همان تولید در دنیا است. حضرت بیان فرمود که مال و فرزندان، تولیدات دنیا هستند و عمل صالح تولید آخرت است که این عمل صالح چیزی غیر از مال و بنین نیست. یعنی در این دنیا تولیدی که عمل صالح شد به عنوان حرث، محصولی است که در آخرت برای صاحبش فایده مند خواهد بود.

حال حضرت بر این اساس می فرمایند که وقتی تولیدات دنیایی که همین مال و فرزند باشد، اگر همین به جهت الهی باشد عمل صالح محسوب می شود و در قیامت هم از آن استفاده می شود. بر همین اساس است که اعتقاد به توحید، موجب جهت دهی به تولید می گردد و در آن تأثیرگذار است.

۲. توجه دادن به کار و تلاش در جهت تولید

در میان عوامل تولید، نیروی انسانی یا کار جایگاه ویژه ای دارد؛ زیرا با انجام کار و استفاده از نیروی جسمی و فکری انسان، سایر عوامل مورد بهره برداری قرار می گیرند. از آنجایی که کار، عامل انسانی در جهت تولید است و تولید نیز برای تأمین نیاز انسان هاست، لذا اهمیت کار دوچندان می شود (دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۷: ۳۷).

اسلام به کار و اشتغال، اهمیت زیادی داده و از بیکاری به شدت نکوهش کرده تا آنجا که امام علی علیه السلام در خطبه ۱۱۴ نهج البلاغه، امر به کار و تلاش می فرماید: «شما را به کار و تلاش امر می کنم» (سید رضی، خطبه ۱۱۴).

امام علی علیه السلام در این عبارت امر به عمل نموده اند. یعنی دستور داده شده که کار کنید. همچنین آن حضرت فرموده است: «گو اینکه کارکردن مایه رنج و زحمت است، ولی بیکاری موجب فساد و تباهی» (مفید، ۱۴۱۳: ۲۹۸/۱).

در این عبارت، حضرت بیان فرموده اند که مشغول شدن یا اشتغال داشتن یعنی بیکار نبودن خودش «مَجْهَدَةً» مایه رنج و زحمت است، اما اینکه متصل بودن به فراغ یعنی دائماً بیکار ماندن خودش مفسده است.



انسان‌ها وقتی تصمیم به انجام کاری می‌گیرند، اولین فعالیتی که انجام می‌دهند سه حالت دارد: یا تولید می‌کنند، یا تولید را توزیع می‌کنند و یا تولید را مصرف می‌کنند. از میان این سه، آنچه اول باید انجام شود تولید است، زیرا اگر تولید نباشد، توزیع معنا ندارد و اگر تولید نباشد، مصرف هم معنا ندارد.

بنابراین هنگامی که امام علیه السلام می‌فرماید «أَمُرْتُم بِالْعَمَلِ» آنچه در اینجا امر فرموده‌اند در عمل امر به تولید است، چرا که اگر تولید نباشد یعنی درآمدی در کار نباشد، چیزی نیست که توزیع یا مصرف شود. لذا به نظر می‌آید اولین مصداق بارز کلام امام علی علیه السلام به منزله (امرتم بالعمل بالتولید) است؛ یعنی امر به تولید نموده‌اند.

لذا مشاهده می‌شود خود حضرت از علاقه‌مندترین افراد به کار و تولید بودند. ایشان حتی در ایام خلافتشان هم شیوه‌شان را تغییر نداده و همچنان کار می‌کردند؛ به گونه‌ای که زمین شخم می‌زدند، چاه حفر کرده و به زراعت می‌پرداختند (حائری، ۱۳۷۸: ۱۵).

طبق فرمایش دیگری از امام علیه السلام کار به عنوان نوعی عبادت مطرح شده است: «تلاشگر در جستجوی روزی حلال همچون مجاهد در راه خداست» (ابن حیون، ۱۳۸۵: ۱۵/۲).

انسان‌ها به جهت کسب درآمد کار می‌کنند اما باید این را مدنظر داشته باشیم که درآمد خود وسیله‌ای برای رسیدن به اهداف دیگر است. پس اهداف بسیاری می‌تواند در ورای کسب درآمد نهفته باشد که انگیزه فرد را برای کارکردن تقویت نماید. حال طبق فرمایش امام علیه السلام وقتی کار و تلاش در جهت کسب روزی حلال برابر با جهاد در راه خدا به شمار آید، طبیعی است که هدف نهایی یک فرد موحد، اطاعت از فرمان خدا و رضایت اوست و نیز اهداف دیگرش زیر چتر این هدف معنا می‌یابد.

لذا می‌توان اهداف طبیعی و متوسطی برای انجام کار انسان موحد ارائه داد:

- کار برای تأمین معاش خانواده.
- کار برای توسعه و گشایش در زندگی خود و خانواده.
- کار برای حفظ آبرو و حیثیت.
- کار برای انجام امور خیر و دستگیری از نیازمندان.
- کار برای افزایش ثروت، جهت استفاده مشروع از آن (دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۷: ۳۹).



همه این موارد مصداقی از کار برای امر تولید است و همین تولید باعث می شود توسعه و گشایش در زندگی ایجاد شود و با افزایش تولید، افزایش ثروت محقق می شود که به دنبال افزایش ثروت انسان می تواند در کارهای خیر مشارکت کند. بنابراین وقتی هدف کار مشخص شد، کار و تلاش جهت می گیرد و به سمت ارزشی شدن، بهره‌وری و قاعده‌مند شدن نیروی کار به پیش می رود. که در ذیل این سه مورد توضیح داده خواهد شد.

۲/۱. ارزشی شدن کار تولید

ارزش یعنی نوعی درجه بندی و امتیاز بندی پدیده‌ها از جهت خوبی و بدی که این امر، ملاک ارزیابی ما از اشیا و رفتارهای خود و دیگران به شمار می آید. نیازهای گوناگون انسان منشأ ارزش‌ها هستند. بی شک انسان به پدیده‌هایی که می توانند نیازهایش را برآورده سازند، امتیاز مثبت می دهد و آن‌ها را خوب تلقی می کند که البته نیازهای انسان‌ها بدون وسیله و واسطه ارضا نمی شوند. اینجاست که کار و تلاش ارزش خود را نشان می دهد. لذا رفتار کاری در جامعه قاعده دارد، چنانچه کار مفید باشد یا کار مفید در سطح جامعه، شیوه تأمین نیازهای مختلف در جوامع شناخته شده باشد، فرهنگ کار و تلاش به طور مثبت شکل می گیرد. بر این اساس، اگر نسبت رفتار و گفتار امام علی علیه السلام درباره کار و تلاش مفید و منظم به جامعه رسانده شود، قطعاً جامعه آن را به عنوان ارزش می پذیرد (نظری، ۱۳۸۱: ۱۳). امیرالمؤمنین علیه السلام که می فرماید: «روزی در مدینه به شدت گرسنه شدم. در اطراف مدینه در پی کار بودم، دیدم زنی مقداری کلوخ گردآورده و می خواهد گل کند. با او در برابر هر ظرف آب یکدانه خرما قرار گذاشتم. شانزده ظرف آب آوردم و دستانم تاول زد. پس مقداری آب نوشیدم و از زن، در مقابل کار، خرما خواستم. او شانزده دانه خرما به من داد. نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمدم؛ ماجرا را تعریف کردم و با هم از آن خرما خوردیم» (اربلی، ۱۳۸۱: ۱۷۵/۱).

با توجه به حکایت بالا، شیوه عملی امیرالمؤمنین علیه السلام، اشتغال به اصل کار مفید بوده و شکل کار برایش اهمیت نداشته است. گروهی چنان تصور می کنند که کار انسان حتما باید با موقعیت اجتماعی اش سازگار باشد. این پندار، مخالف سیره عملی امام علی علیه السلام است؛ حضرت، گاه خود به کارگری تن می داد و روزگار می گذراند. بنابراین، سنت عملی امام علیه السلام اشتغال به کار مفید و سازنده بود. چنان که در رفتار و سیره عملی امام علیه السلام، کار مثبت و سازنده مهم است و ارزش محسوب می شود. نکته اساسی که در اینجا مورد توجه قرار می گیرد، این است که انسان طبیعی نیازهایی طبیعی داشته و عنصر



کار را وسیله این نیازهایش قرار می‌دهد که این امر ارزش ابزاری به کار بخشیده و چنانچه انگیزه‌های طبیعی به حیات انسانی نه طبیعی مرتبط گردد، کار دارای ارزش نهایی می‌شود. مثلاً اگر کسی به انگیزه دستمزد و تأمین معاش و رفاه خود و خانواده‌اش کار و تلاش کند، درجه‌ای از تقوا به دست می‌آورد، در این صورت کار، ارزش غایی می‌یابد؛ زیرا در واقع نوعی انجام وظیفه دینی می‌شود (نظری، ۱۳۸۱: ۲۲). به طوری که امام علی (ع) این‌گونه ارزش کار را مطرح فرموده‌اند: «هیچ تلاش بامدادی در راه خدا از کار صبح هنگام، در جهت رفاه و آسایش فرزند و خانواده، والاتر نیست» (ابن حیون، ۱۳۸۵: ۱۵/۲).

انسان به طور طبیعی می‌کوشد درآمد به دست آورد تا نیازهای مادی‌اش را برآورده سازد؛ اما همین انسان می‌تواند جهت دیگری به انگیزه طبیعی‌اش داده و به منظور انجام وظایف و مسئولیت‌های واجب و مستحب دینی، درآمد به دست آورد. در این موقعیت، آن انگیزه و این جهت، جوهره فعالیت اقتصادی را تغییر داده و واقعیت ارزشی به آن می‌بخشد. لذا کار و تلاش اقتصادی می‌تواند درجه‌ای از فضیلت تقوایی کسب کند و ارزشمند شود و تا جایی پیش رود که طبق فرمایش امام (ع) «فی سبیل الله» انجام شود (نظری، ۱۳۸۱: ۲۲).

در تعالیم دینی اعمال انسان باید در راه خدا انجام شود. انسانی که موحد نباشد در نیتش غیر از «سبیل الله» را هم در نظر می‌گیرد. اما اگر موحد باشد، با این نیت که فقط کار باید در راه خدا انجام شود، کار را به سرانجام می‌رساند که این توحید، عبادت و اطاعت از خداوند متعال را می‌رساند. بر این اساس امام علی (ع) می‌فرمایند: هر کس با قید «فی سبیل الله» کار را انجام دهد مطالب فوق برایش محقق می‌شود. حال اگر هرکس در توحیدش تقویت شود و اعتقادش در «فی سبیل الله» بودن در کارهایش بیشتر محقق شود، نتیجه‌اش در امر تولید بیشتر می‌شود که همان ارزشی شدن کار است.

۲/۲. بهره‌وری در کار تولید

بهره‌وری، نسبت خروجی به ورودی یک مجموعه یا نظام تعریف شده است. ورودی‌ها عبارتند از: مواد اولیه، منابع انسانی، سرمایه، زمین، انرژی، مدیریت و... که اگر این نسبت خروجی به ورودی یک مجموعه با هم تناسب نداشته باشد یعنی کاهش داشته باشد، در اقتصاد خلل ایجاد می‌شود که یکی از آن می‌تواند پدیده بیکاری باشد. این کاهش بهره‌وری عوامل گوناگونی دارد از جمله:



امام علی علیه السلام در خطبه ۱۵۴ نهج البلاغه معتقد است که هر کاری در تولید باید با علم و مهارت لازم انجام گیرد: «آنکه از روی علم و آگاهی کارهایش را انجام می‌دهد همانند رونده‌ای است که در راهی روشن و آشکار گام برمی‌دارد» (سید رضی، خطبه/۱۵۴). یعنی عامل دانسته و شناخته، مانند کسی است که در راه مستقیم و آشکار حرکت می‌کند و هر قدمی که بر می‌دارد به مطلوبش نزدیکتر می‌گردد (مدرس وحید، بی تا، ۱۲۰/۱۰).

ایشان در جای دیگری در همین مورد فرموده‌اند: «ارزش هر کسی به چیزی است که آن را خوب می‌داند. (به کاری است که آن را خوب و درست انجام می‌دهد)» (سید رضی، قصار/۸۱). هدف از این سخن، تشویق در حد اعلائی آن به کسب کمالات نفسانی و فراگیری صنعت‌ها و نظایر آنهاست. (بحرانی، ۱۳۷۵: ۴۷۷/۵) با توجه به فرمایشات امام علیه السلام در دو حدیث فوق با کاربردی کردن دو عنصر دانش و مهارت، می‌توان بهره‌وری در کار تولید را افزایش داد و از بیکاری پنهان جلوگیری کرد (نظری، ۱۳۸۱: ۲۴).

از سویی دیگر جامعه‌ای که از نیروی انسانی، امکانات، دارایی‌ها و تجهیزات، حداکثر سود ممکن را با بهره‌گیری در تولید و استفاده بهینه در جهت رفاه عمومی به‌کار گیرد، می‌تواند به عدالت اقتصادی هم برسد. چنان که امیرمؤمنان علی علیه السلام راه رسیدن به چنین جامعه‌ای را در نامه ۵۳ نهج البلاغه چنین بیان نموده است: «بنابراین، کاری که از میان همه کارها باید بیشتر دوست داشته باشی، اعتدال در راه حق و همگانی کردن عدالت و تلاش برای جلب رضایت مردم است» (سید رضی، نامه ۵۳).

آنچه در این قسمت از عهدنامه مالک اشتر، حضرت امیر علیه السلام بیان فرموده‌اند تلاش برای جلب رضایت مردم می‌باشد که نشان‌دهنده اهتمام به مطلوب‌هاست. بهره‌وری در تولید زمانی بالا می‌رود که معتدل‌ترین سیاست‌های اقتصادی که بیش از همه عدالت را فراگیر سازد و آنچه بیشترین خشنودی شهروندان را فراهم نماید، ایجاد شود. چنان که امام علیه السلام برای رسیدن به اوج بهره‌وری در عهدنامه مالک اشتر پس از ارائه مجموعه‌ای از مبانی، اصول، روش‌ها، سیاست‌ها و اخلاق مدیریتی، حاصل دریافت درست و عمل به آنها را موفقیتی با بهره‌وری تمام معرفی نموده (دلشاد تهرانی، ۱۳۹۵: ۵۱۶) و فرموده‌اند: «و من به وسیله رحمت گسترده و توانمندی بزرگ خدا بر دادن هر خواسته‌ای، از درگاهش می‌خواهم که مرا و تو را به کاری توفیق دهد که خشنودی او در آن است و آن، برپای داشتن عذر آشکار به درگاه او و به پیشگاه آفریدگانش است، همراه با نیک‌ستایی و نام نیک در میان بندگان و اثر زیبا و برازنده در سرزمین‌ها و تمام شدن نعمت و چند برابر کردن کرامت» (سید رضی، نامه ۵۳).



در اینجا حضرت از خداوند متعال درخواست می‌کنند که او را در جهت بهره‌وری در کار تولید موفق بدارد؛ زیرا انسانی که معتقد به توحید است، باور دارد که همه این توفیق‌ها از جانب خداوند است و حتی بهره‌وری در کارش را هم از خداوند متعال درخواست می‌کند.

در عبارات‌های گذشته حضرت بیان فرمودند که ارزش یک انسان به همین بهره‌وری و کیفیت کار اوست، ولی در عبارت فوق، خصوصاً از این قسمت عبارت «لِمَا فِيهِ رِضَاءٌ» فهمیده می‌شود که این بهره‌وری هم ارتباط با اعتقاد انسان به توحید دارد و اگر انسان معتقد باشد که همین بهره‌وری و همین خوب کار انجام‌دادن هم از جانب خداست، آن را از خداوند مسئلت می‌دارد که خدا به او عطا کند و نتیجتاً هر آنچه مسئلت او از خدا بیشتر شود، بهره‌وری از کارش هم بیشتر می‌شود، زیرا معتقد است بهره‌وری از جانب خداست. انسان موحد و معتقد به توحید عبادی در پی جلب رضایت الهی است نه جلب رضایت دیگران. چنانچه در حدیث فوق هم امام علیه السلام از خداوند خواسته است که رضایت او بیشتر شود. در صورتی که رضایت الهی اعتقاد به توحید محقق شود شاخصه‌ها بالاتر می‌رود که این شاخصه‌ها عبارت‌اند:

۱. برپاداشتن عذر آشکار به درگاه خدا و پیشگاه مردمان؛
۲. برپاداشتن نیک ستایی و نام نیک در میان بندگان؛
۳. برپاداشتن اثر زیبا و برازنده در سرزمین؛
۴. تمام شدن نعمت در حیطة حکومت و مدیریت؛
۵. چندبرابرکردن کرامت در حکومت و مدیریت (دلشاد تهرانی، ۱۳۹۵: ۵۱۷).

۲/۳. قاعده‌مند شدن زنان در کار تولید

نیمی از جامعه، زنان هستند که پا به پای مردان، مشغول به کار و تلاش یا در خانه و یا در بیرون از خانه هستند. ورود زنان به عرصه کار و تولید در راستای بهره‌وری، ضوابط و قواعدی را می‌طلبد. زنان در تاریخ اسلام فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی بسیاری داشته‌اند که نام‌های بسیاری از آنان تا کنون در تاریخ ذکر شده‌اند برای مثال زنانی که عطر می‌فروختند، از جمله زینب عطاره (حائری، ۱۳۷۸: ۲۶) که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به وی فرمودند: «به هنگام فروش به نیکی بفروش و از غش در آن پرهیز که این کار به تقوای الهی نزدیکتر است و موجب حفظ مال گردد» (کلینی، ۱۴۰۷: ۱۵۱/۵).



چنان‌که در حدیث فوق مشاهده می‌شود سفارش پیامبر ﷺ با الفاظ «أَحْسِنِي» و «لَا تَغْشِي» در جهت پاکی و سلامت کسب و کار در تولید می‌باشد که البته این قسمت برای زن و مرد یکسان است و در ادامه حضرت نتیجه پاکی و سلامت کار را «أَتَقَى لِلَّهِ» و «أَبْقَى لِلْمَالِ»، تقوای الهی و حفظ و نگهداری مال بیان نموده است.

در واقع یک مؤمن و معتقد به توحید، کسی است که همه کارهایش در جهت تقوای الهی - توحید در عبادت - باشد. چنین انسانی در راستای اطاعت از فرمان خداوند تلاش می‌کند که انجام کارهایش در جنبه‌ای که توحید عبادی است بهترین گردد.

همچنین در تاریخ ذکر شده که امام علی عليه السلام هم، زنان را تشویق به کار می‌کردند که به عنوان نمونه امیرمؤمنان عليه السلام زنی را به کار ریسندگی مشغول بود، تشویق کرده و نخ ریزی را از حلال‌ترین کسبها می‌دانست (حائری، ۱۳۷۸: ۲۶). به‌عنوان مثال در روایتی از ابراهیم نخعی آمده است: «به زنی به نام ام بکر برخورد کردم که صبح‌دم بر در خانه نشسته بود و در دستش دوک نخ ریزی داشته، به او گفتم: ای ام بکر! آیا زمان آن نرسیده که این دوک را کنار بگذاری؟ در پاسخ گفت: چگونه آن را کنار بگذارم در حالی که شنیدم امام علی عليه السلام می‌فرمود: نخ ریزی از کسب‌های پاک و حلال است» (عیاشی، ۱۳۸۰: ۱۵۰/۱).

طبق این روایت امام علی عليه السلام هم به تبعیت از پیامبر صلی الله علیه و آله تأکید به پاکی و سلامت کسب و کار در تولید داشتند. تا جایی که ایشان به عنوان نمونه نخ ریزی را یکی از کسب‌های حلال برای زنان نام برده‌اند. ظاهراً اشتغال زنان به این کارها برای سرگرمی نبوده بلکه منبع درآمدشان محسوب می‌شده است. طبق فرمایش امیرمؤمنان علی عليه السلام زن بر طبق موازین اسلامی اجازه دارد در شرایط معین و با کسب اجازه از همسرش برای تأمین هزینه‌های زندگی، کارهای مناسبی را که شرع آنها را تعیین کرده انجام داده و به کسب حلال بپردازد (حائری، ۱۳۷۸: ۲۷).

زن مسلمان و موحد که معتقد به توحید در اطاعت است، فقط و فقط فرمان خداوند را اطاعت می‌کند و تنها به اوامر و نواهی الهی گوش فرا می‌دهد. لذا اینجاست که چنین فردی وقتی قرار شد در محیط کسب و کار و تولید قرار گیرد بنا بر فرمایش امام عليه السلام به توصیه به تقوای الهی هرگونه برخورد با نامحرم را در محیط کسب و کار و تولید، رعایت می‌کند که این باعث می‌شود در کیفیت و حتی کمیت کار و تولید مؤثر واقع شود، بگونه‌ای که وقتی از برخوردهای حرام پرهیز کند، تمام وقت و تمرکزش را در آن زمان برای کار و تولید در نظر می‌گیرد و زمان در نظر گرفته شده برای کار و تولید هدر نمی‌رود.



همچنین با توجه به دقت و تمرکز بالای زنان، کار و تولید با کیفیت بیشتری انجام شده لذا با توجه به هزینه‌های بسیار بالای کنونی در معیشت و اقتصاد خانواده، کار زنان در بخش بزرگی از جامعه اقتصادی بنام تولید، اهمیت به‌سزایی دارد به شرطی که شرایط و موازین اسلامی از جانب این گروه از زنان مسلمان رعایت شود، به گونه‌ای که طبق فرمایش امام علی (ع) عمل به موازین شرعی آن، گام بزرگی در پیشبرد امر تولید و به تبع آن اقتصاد را شامل می‌شود.

لازم به ذکر است که برای پیشبرد اقتصاد، فضای موجود در آن نیز، همزمان باید آماده شود تا زمینه برای کار و تلاش بیشتر مهیا گردد، که ایجاد امنیت اقتصادی در تولید مهمترین شاخصه برای فعالیت اقتصادی به‌شمار می‌آید.

ایجاد امنیت اقتصادی در تولید

امنیت اقتصادی مهمترین شاخص توسعه یافتگی است و نظام اقتصادی در هر کشوری تنها در سایه امنیت اقتصادی تحقق می‌یابد تا در پرتو آن به نظام اقتصادی مطلوب جهت ارتقای تولید و کارایی منابع دست یافته و آنگاه به رفاه نسبی اقتصادی که هدف نهایی هر نظام اقتصادی توسعه یافته می‌باشد برسند (جهانیان، ۱۳۸۱: ۱۶).

در آموزه‌های امام علی (ع) آمده است: «رفاه و آسایش زندگی، در داشتن امنیت است» (طبرسی، ۱۳۸۴: ۷۰). حضرت امیر (ع) همچنین فرموده‌اند که رفاه و آسایش در سایه امنیت شکل می‌گیرد. در امور اقتصادی امنیت همه‌جانبه لازم است تا فضای مناسب برای کار و تلاش و سرمایه‌گذاری و تولید فراهم شود و نبود امنیت، علی‌الخصوص امنیت اقتصادی در تولید، زمینه‌ای برای انواع تباهی‌ها را فراهم می‌کند (دلشاد تهرانی، ۱۳۹۵: ۵۰۹) که یک نمونه از این تباهی‌ها را می‌توان هرگونه تجاوز و ناروایی‌های اقتصادی نام برد، که می‌تواند امنیت اقتصادی را مختل کند. به این نکته هم باید توجه داشت که گرچه گروه‌ها و سازمان‌های اقتصادی، مانند بازرگانان و صنعتگران، نقش مهم و اساسی در پیشبرد تولید در اقتصاد دارند که نیازمند فضای امن اقتصادی هم هستند، اما همین گروه‌ها نیز می‌توانند در مقاطعی خطرآفرین و بحران‌ساز باشند و آن در صورتی است که بر روابط و مناسبات اقتصادی و بازار نظارت دقیق صورت نگیرد. چرا که اگر نظام بازار بدون نظارت و کنترل رها شود، مناسبات بهره‌کشانه و روابط ستمگرانه و تعدی اقتصادی از جانب بعضی افراد، گروه‌ها و یا سازمان‌های اقتصادی،



موجب زیان‌های شدید به توده مردم می‌شود و قطعاً تبعاتی را نیز به دنبال دارد؛ از جمله: بیکاری، گرانی، تورم، افزایش نقدینگی و... (دلشاد تهرانی، ۱۳۹۵: ۵۰۴).

لذا آنچه مهم است و باید در اینجا به آن اشاره کرد این است که نظارت در بازار شرط لازم هست اما کافی نیست، آنچه در اقتصاد، تضمین امنیت می‌کند تقوای الهی یا همان خودنگهداری است که این هم بنا بر توحید عبادی و اطاعت از خداوند اجرا می‌شود. این مسئله آنقدر با اهمیت است که امام علی علیه السلام نیز در قسمتی از خطبه ۱۸۲ نهج البلاغه به آن سفارش نموده و فرموده‌اند: «بندگان خدا، شما را به رعایت تقوای الهی وصیت می‌کنم، خداوندی که شما را لباس پوشانید و معاشتان را به فراوانی در اختیارتان گذاشت» (سید رضی، خطبه ۱۸۲).

«پس از این امام علیه السلام به وعظ و اندرز شنوندگان می‌پردازد و گفتار خود را با سفارش به تقوا و پرهیز از نافرمانی خدا که موجب سلب دو امر که سبب بقای آدمی در دنیا است آغاز فرموده است، این دو امر یکی لباس «الْبَسْکُمْ» و دیگری طعام است «الْمَعَّاش» و شاید مراد از معاش منحصر به طعام نبوده و همه اسباب زندگی را شامل باشد» (بحرانی، ۱۳۷۵: ۷۰۹/۳).

بسا به خاطر اهمیّت امر تولید و اقتصاد در حیطة زندگی و اهمیّت مراعات تقوا در این زمینه موجب می‌شود امیرالمؤمنین علی علیه السلام صفتی برای خداوند متعال بیان فرماید، که با امر اقتصاد و تولید برای انسان‌ها در ارتباط است و آن تولید معاش و ارائه لباس برای انسان‌هاست.

بنابراین کسانی که در بازار تولید مؤثر هستند. مانند بازرگانان، صنعتگران، تجار، و غیره اگر سپر تقوا را با خود داشته باشند و بنا بر توحید در ربوبیّت معتقد باشند به اینکه اداره و تدبیر جهان خلقت به عهده خداوند است و روزی‌رسان حقیقی خدا است، در سختی‌ها و کشاکش کار تولید و حتی در آشفتنگی بازار اقتصادی در جامعه، هیچگاه به خود اجازه نمی‌دهند که به خاطر رسیدن به سود بیشتر و آسان‌تر، مثلاً وارد بازار دلالی مسکن، ارز و یا طلا شوند و بر اساس آیه شریفه‌ای عمل می‌کنند که می‌فرماید: «آنانی که طلا و نقره را گنجینه می‌کنند و در راه خدا انفاق نمی‌نمایند، آنها را به عذاب دردناک الهی بشارت ده» (توبه: ۳۴).

خداوند متعال در این آیه شریفه از کنز و گنج‌کردن ذهب و فضه که منظور همان سکه‌های طلا و نقره باشد، منع کرده و بشارت عذاب آتش داده شده برای کسانی که این کار را انجام می‌دهند. طمع کردن به اندوختن سکه و ارز و طلا که موجب آسیب زدن به امر اقتصاد جامعه اسلامی است را کنار می‌گذارند و همین امر باعث می‌شود بسیاری از نابسامانی‌های اقتصادی که امروزه متأسفانه در همین



جامعه ما با آن مواجه هستیم رفع شده و رشد و شکوفایی اقتصادی در امر تولید ایجاد شود، بنابراین همین نوع خود نگهداری یا تقوا، اقتصاد جامعه را از غده سرطانی شدن نجات می‌دهد و در جامعه ثبات اقتصادی ایجاد می‌شود که آن هم ایجاد اشتغال و رونق تولید و همچنین ایجاد امنیت اشتغال و درآمد را در تولید در پی خواهد داشت که این دو مکمل یکدیگر خواهند بود.

۱. ایجاد اشتغال و درآمد ناشی از رونق تولید

اشتغال به معنای مشغول کار بودن است که از جنبه‌های مختلفی همچون درآمدزایی، تولید و کارآفرینی، توسعه دانش و فن‌آوری اهمیت دارد و از آن جهت که بر مجموعه فعالیت‌های اقتصادی تأثیرگذار است، لذا نیاز به ایجاد اشتغال و درآمد ناشی از رونق تولید نمایان می‌شود. با توجه به این نیاز امیرالمؤمنین (ع) می‌فرماید: «این فرمانی است از بنده خدا علی امیر المؤمنین به مالک فرزند حارث اشتر در عهدی که خود به او فرموده هنگامی که وی را کارگزار مصر گردانید، تا مالیات آنجا را جمع کند و با دشمنان بجنگند و کار مردم مصر را اصلاح نماید و شهرها را آباد نماید. به او فرمان می‌دهد که تقوای الهی را رعایت کند» (سید رضی، نامه ۵۱).

امام (ع) در اینجا دو هدف را تعیین می‌کند:

اول: اصلاح عباد یعنی مردمان؛

دوم: آبادانی بلاد یعنی کشور.

بین این دو هدف، ارتباط محکمی است؛ زیرا بدون اصلاح عباد، آبادانی بلاد ممکن نمی‌گردد و بدون آبادانی کشور، مردم اصلاح نمی‌پذیرند (حائری، ۱۳۷۸: ۶۹).

«عِمَارَةُ بِلَادٍ» (آبادانی کشور) با تولید و توجه ویژه به آن تحقق می‌یابد که امام (ع) در این نامه متذکر شده‌اند و امر به تولید نموده‌اند، زیرا وقتی تولید در بخشهای مختلف جامعه اعم از ساختمان سازی، راه‌اندازی کارخانه‌ها و کارگاههای تولیدی و غیره ایجاد شود، موجت عمارت و آبادانی شهرها می‌گردد. لذا این بخشهای تولیدی نیاز به نیروی انسانی و افرادی که مشغول به کار شوند دارد. در واقع لازمه تولید این است که اشتغال ایجاد شود و اشتغال هم یعنی تأمین تقاضای کار از طریق نیروی انسانی که در جانب عرضه، جویای کار است. چنانچه تولید کالا و خدمت در سطح جامعه از پویایی لازم بی‌بهره باشد، تقاضای مؤثر برای عامل کار شکل نمی‌گیرد و جامعه با پدیده بیکاری مواجه می‌شود، هم چنین اگر تولیدکننده نتواند نیروی کار مورد نیازش را تأمین کند، با رکود روبرو می‌گردد،



زیرا که تولید به نیروی کار وابسته است. در نتیجه نه تولید تحقق می‌یابد و نه اشتغال. بنابراین، (عمارت بلاد) همان تولید است که اشتغال نیز در پی آن ایجاد می‌شود که در این صورت است که اشتغال هم ایجاد می‌گردد. حال این نیروی انسانی اگر انسان موحدی باشد در راستای توحید در اطاعت، فقط و فقط از اوامر و نواهی الهی اطاعت می‌کند و توان همه جانبه خود را در جهت تولید بکار می‌گیرد که این مستلزم تقوا می‌باشد. واژه تقوای کار در نهان خود دو عنصر را شامل می‌شود: امانت کاری که همان رعایت حدود شرعی و قانونی کار است و دیگر توان و مهارت کاری (نظری، ۱۳۸۱: ۲۶).

تقوای کاری یعنی آنکه فرد در برابر کاری که می‌پذیرد، درستکار و امین باشد و هم توانمند و با مهارت. در این موقعیت هرچه مهارتش بیشتر باشد، خدمت بیشتری ارائه می‌دهد و چون تقوا اساس هر فضیلتی است و هم چنین با تحقق امانت و درستکاری، مقدار و حساسیت خدمت به فضیلت و تقوای فزون‌تر باعث تولید و به تبع آن آبادانی شهرها که همان عمارت بلاد از منظر امام علیه السلام می‌باشد، ایجاد می‌گردد. شیوه امام علیه السلام در مسأله تولید و در پی آن ایجاد اشتغال و کار این‌گونه الگو و هنجار کاری در جامعه قرار می‌گیرد، و کار و تلاش آن حضرت نمادی از مهارت و درستکاری و اخلاص است و مصداق روشن «تَقْوَى اللَّهِ» (نظری، ۱۳۸۱: ۲۵).

۲. ایجاد امنیت اشتغال و درآمد در تولید

امام علی علیه السلام می‌فرمایند: «هیچ تلاش بامدادی در راه خدا، از کار صبح هنگام در جهت رفاه و آسایش فرزند و خانواده والاتر نیست» (ابن حیون، ۱۳۸۵: ۱۵/۲). بنابر توحید عبادی، فقط خداوند متعال است که استحقاق عبادت و اطاعت دارد. لذا امام علیه السلام در جهت عبادت و اطاعت از خداوند متعال در حدیث فوق می‌فرمایند: با ارزش‌ترین کار، کار و تلاش فی سبیل الله جهت رفاه و آسایش خانواده است.

کسی که صبح هنگام بخاطر خداوند به جهت اشتغال و درآمد در تولید و برای امرار معاش خانواده از منزل خارج می‌شود و از طرفی برای اطاعت از خداوند متعال و از طرف دیگر بنا بر توحید ربوبی که ربوبیت جهان آفرینش فقط از آن خداوند است، به جهت اعتماد به خدا به سوی کسب و کار و تولید به طلب معاش می‌رود. که، نتیجه‌اش تداوم کسب و کار و درآمد پایدار در تولید و همچنین از بین رفتن فقر و نیازمندی در جامعه است، زیرا فقر، ناشی از کمبود اشتغال است. حال هر کس با اتکاء به خداوند متعال از طریق اشتغال آبرومندانه که ارزش و فضیلت هم محسوب می‌شود، امنیت شغلی و



درآمد در تولید برای خودش ایجاد کند، کار بسیار ارزشمندی کرده و لذا بدین شکل شغل و درآمد تولیدی در جامعه پایدار می‌شود، به گونه‌ای که کسی که شغل سالمی دارد، با تلاش و کار، شغلش را از دست نمی‌دهد و کسی هم که شغلی ندارد در سایه چنین اعتقاد و اعتماد به خداوند به دست می‌آورد. در نتیجه این کار و تلاش مضاعف، موجب افزایش تولید خواهد شد. بنابر این دیدگاه است که حکومت حق، شرایطی را فراهم می‌آورد که همه مردم، حداقل امکانات اساسی زندگی را داشته باشند. به عبارت دیگر، همه کسانی که می‌خواهند کار و تولید کنند، برایشان امکان کار فراهم باشد و افرادی هم که درآمد کافی از کارشان کسب نمی‌کنند یا حتی توان کار کردن ندارند، درآمد در حد کفاف و یک حداقلی زندگی را داشته باشند. امام (ع) در کوفه در دوران حکومت خود این حداقل امکانات اساسی را برای مردم تأمین نموده بود. (جهانیان، ۱۳۸۱: ۲۶) آنگونه که فرمود: «کسی در کوفه نیست که در رفاه بسر نبرد، حتی پایین‌ترین افراد، نان گندم می‌خورند، سرپناه دارند و از آب گوارا می‌نوشند» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۳۲۷/۴۰).

امام (ع) در مدت حکومت خویش که بیش از چهار سال بود، توانست ثبات اقتصادی لازم را در جامعه ایجاد کند. نتیجه چنین ایجاد امنیت در این حوزه اقتصادی، برابری حقوق و رفع تبعیض در جامعه تولیدی و همچنین باعث گسترش اشتغال مولد در تولید می‌شود.

۳. برابری حقوق و رفع تبعیض در جامعه تولیدی

از جمله مهمترین اقدامات در حوزه تولید که موجب رشد و توسعه آن می‌شود، برابری حقوق و رفع تبعیض در حوزه تولید است. یکی از اقدامات مهم امیرالمؤمنین (ع) زدودن تبعیض‌های اقتصادی و شکاف طبقاتی بود.

امام علی (ع) هم در گفتار و هم در سیره و رفتارشان همواره عدالت و رفع تبعیض و جلوگیری از شکاف طبقاتی را در جامعه و بطور مشخص در حوزه‌های اقتصادی، رعایت می‌نمودند، تا آنجا که در روز دوم حکومتشان فرمودند: «مبادا فردا زورمندان و ثروتمندان که در نعمت و عافیت دنیا غرق شده‌اند فریاد کنند. مبادا آنان که بوستان‌ها آراسته‌اند و نهرها را به سوی بوستان‌ها چرخانده‌اند و بر اسبان راهوار سوار شده‌اند و کنیزکان زیبا در خانه‌ها دارند، چون آنان را از کارهایی که می‌کردند بازدارم و تنها حقوق مشروعشان را بدیشان پردازم، این کار را بر خود ننگ و عار بدانند و خشمگین شوند و اعتراض کنند و فریاد برآرند که پسر ابوطالب ما را از حقوقمان محروم ساخت. آگاه باشید هرکس از



مهاجران و انصار، از اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله که خود را به سبب مصاحبت با پیامبر برتر از دیگران می‌بینند، باید بدانند که برتری آشکار برای روز جزاست و نزد خدا و پاداش و اجر آن را خدا خواهد داد. [اما امروز] هرکس دعوت خدا و رسول را اجابت کرده باشد و ملت ما را تأیید کند و دین ما را بپذیرد و قبله ما را قبله خود بشناسد، از حقوق اسلامی برابر برخوردار می‌شود و حدّ و حدود اسلامی یکسان بر او جاری خواهد گشت. شما همگی بندگان خدایید و این اموال از آن خداست که باید با سهم برابر میان شما تقسیم شود. هیچ کس را در آن بر دیگری برتری نیست و به تقوای پیشگان فردا در نزد خدا نیکوترین جزا و برترین پاداش داده خواهد شد» (ابن‌ابی‌الحدید، ۱۴۰۴: ۳۷/۷).

حضرت می‌فرمایند: «شما همگی بندگان خدایید» که بنا بر توحید خالقیت آفریننده همه موجودات خداوند است و با توجه به ادامه فرمایش حضرت: «اموال خدا که اشاره به بیت المال دارد باید با سهم برابر بین مخلوقات خداوند تقسیم شود و برتری بین افراد نیست مگر به تقوا». پس به سفارش امیرالمؤمنین علیه السلام در بهره بردن از اموال عمومی و حقوق افراد یکسان است و آنچه باعث برتری می‌شود، تقوای الهی است.

۴. گسترش اشتغال مولد در تولید

رشد اقتصادی به معنای افزایش ثروت و بهره‌مندی از طبیعت تا حد امکان می‌باشد. بدین ترتیب رفاه اقتصادی جامعه از طریق اشتغال افزون‌تر فراهم می‌شود و درآمد بیشتری برای نیروی کار ایجاد شده و امنیت اقتصادی افراد افزایش پیدا می‌کند (جهانیان، ۱۳۸۱: ۳۵).

امام علی علیه السلام در این مورد در خطبه ۱۴۳ نهج‌البلاغه می‌فرماید: «آگاه باشید زمینی که زیر پای شماست و شما را تحمل می‌کند و آسمانی که بر سرتان سایه افکنده، تسلیم و مطیع پروردگارتان هستند. زمین و آسمان نه برای دلسوزی به شما برکت می‌دهند و نه به خاطر نزدیک شدن به شما و نه بدان جهت که امید خیر و نیکی از شما دارند، بلکه از جانب پروردگار مأمورند که به شما خیر برسانند، فرمان حق را اجرا نموده و برای تأمین مصالح و منافع شما به پا خیزند» (سید رضی، خطبه ۱۴۳).

ابن‌میثم در شرح این خطبه بیان می‌کند: «امام علیه السلام نخست در آغاز خطبه تذکر می‌دهد که این زمینی که برای رستنیها مانند مادر و آسمانی که برای آفریدگان جهان به منزله پدر است، فرمانبردار پروردگار خویشند، «مُطِيعَتَانِ لِرَبِّكُم» این که فرموده است هر دو مطیع پروردگارند منظور این است که در زیر فرمان قدرت خداوندند. نکته‌ای در این عبارت است و آن اینکه: حوادثی که در نتیجه تأثیرات



کرات آسمانی در این جهان پدید می‌آید، معلول اراده و قصد ذاتی آنها نیست و مانند آنچه از نظر اغراض مادی میان مردم متداول است، برای دلسوزی به حال مردم یا جهت تقرب و کسب منزلت و یا به امید جلب منفعت از آنها ناشی نمی‌شود، زیرا آسمانها و زمین از این امور بی‌نیازند، لیکن چون کرات آسمانی برای کسب کمالاتی که شایسته آنهاست و از جانب خداوند متعال برای آنها مقرر شده، پیوسته در گردش و جنبش بوده و رام و مطیع اویند و از این حرکتها زمین برای رویش گیاه و کشت و زرع آماده و حیوانات و آذوقه و ارزاق که مایه بقای آنهاست پدید آمده است، لذا مصالح و منافع حیوانات نیز بسته به همین حرکات و اتصالات کرات سماوی بوده به فرمان خداوند مدبر عزیز و حکیم بر وفق آنها جاری می‌باشد و منظور امام (ع) از آنچه تا این جا گفته شده این است که عظمت مقام ربوبی در دلها جایگزین شود و ارزاق و اسباب حصول آنها را از او بدانند و به او منسوب کنند، تا در نتیجه مردم به سوی او رو آورند و گناهان را که مانع افاضه رحمت پروردگار است ریشه کن سازند» (بحرانی، ۱۳۷۵: ۳۴۱/۳).

طبق فرمایش امام (ع) بنا بر توحید در ربوبیت که تدبیر و اداره امور عالم به دست خداوند قادر متعال است و با توجه به فراهم شدن اسباب رزق و دیگر بر خوداری از برکت زمین و آسمان که شامل مخلوقات خداوند می‌شود، خداوند متعال، بستر چنین رشد و اشتغال مولد را برای بندگانش بر اساس توحید ربوبی فراهم نموده است، چرا که اداره و تدبیر جهان خلقت با خداوند است. بر این اساس فعالیت‌های مولد در بخش‌های مختلف اقتصادی سبب می‌گردد تا تولید متناسب با نیازهای جامعه افزایش پیدا کند و کلاً هر اموری را که زمینه اشتغال، درآمد و ثروت جامعه را فراهم کند را هم شامل می‌شود (جهانیان، ۱۳۸۱: ۳۶).

باید توجه داشت راه‌های افزایش اشتغال و ازدیاد درآمد که باعث گسترش تولید می‌شود بسیار است، اما در اینجا چهار مورد آن را که در کلام حضرت امیر (ع) بدان پرداخته شده و از اهمیت بیشتری برخوردار است بیان می‌شود: کشاورزی، دامداری، صنعت، تجارت.

۵. توسعه بخش کشاورزی در اشتغال مولد تولید

خداوند بر اساس ربوبیت تشریحی الهی عهده دار قانون‌گذاری با هدف سعادت و هدایت دنیوی و اخروی بشر است. در عبارات متعددی از نهج البلاغه به هدفمند بودن خلقت تصریح شده است.



از جمله امام علی علیه السلام در خطبه ۸۶ نهج البلاغه می‌فرماید: «ای مردم، خدا را، خدا را در نظر بگیرید (بترسید از خدا) درباره آنچه که از شما در حفظ و عمل به قرآن خواسته است و در مراعات عمل به حقوقی که نزد شما به ودیعت نهاده است، زیرا خداوند سبحان شما را بیهوده نیافریده و بحال خودتان وانگذاشته و شما را در جهل و کوری رها ننموده است» (سید رضی، خطبه ۸۶).

خداوند متعال بر اساس همین هدفمندی و بیهوده نبودن خلقت وظایفی را بر عهده انسانها در جهت پیشبرد امور نهاده است. از جمله این امور، استفاده از زمین است که یکی از منابع طبیعی و مؤثر در عرصه اقتصادی زندگی انسان می‌باشد. زمین از مهمترین ثروت طبیعی بوده و بدون آن تقریباً هیچ نوع فعالیت تولیدی میسر نیست.

از آنجا که در نظر امام علی علیه السلام بخش کشاورزی جایگاه ویژه‌ای دارد و صلاح و نفع و خیر مردمان به صلاح طبقه کشاورز وابسته است؛ لذا امیرالمؤمنین توجه خاصی به بخش کشاورزی و توسعه آن نموده‌اند (جهانیان، ۱۳۸۱: ۴۰).

این توجه و توصیه امام بحدی است که در نامه‌ای به قرظ بن کعب انصاری در راستای حفظ بخش کشاورزی دستور بازسازی نهری را صادر می‌فرماید:

«اما بعد، مردانی از اهل ذمه در حوزه استحفاظی زمین‌های خراجی تو درباره نهری که از بین رفته صحبت کردند و در این نهر، نفع آنها و افزایش ثروت برای مسلمین است؛ بنابراین، تو و آنها کارشناسی کنید، سپس عمران و اصلاح نهر را به عهده بگیر؛ پس به جانم سوگند که رفاه و افزایش درآمد آنها بسیار محبوب‌تر است نزد من تا اینکه از این زمین‌ها خارج شده و بیکار و عاجز شوند و یا این که (در این زمین‌ها باقی بمانند) و در وظیفه کشاورزی خود که به صلاح کشور است کوتاهی کنند» (احمدی میانجی، ۱۴۲۶: ۴۵۰/۱).

یکی از بایدهای رشد اقتصادی و به تبع آن افزایش تولید، رشد بخش کشاورزی است. از یک سو مازاد سرمایه و از سوی دیگر نیروی کار. یعنی از طرفی، هم می‌تواند موتور توسعه صنعتی را در تولید روشن کند و از طرف دیگر، خانوارهای این بخش، بازار مصرف کالاهای بخش صنعت تولید می‌باشند. لذا، توسعه اقتصادی پویا در حوزه تولید، بدون رشد صحیح بخش کشاورزی تحقق نمی‌یابد (جهانیان، ۱۳۸۱: ۴۱).

امام علی علیه السلام به مردم سفارش و توصیه به کار کشاورزی نموده‌اند: «هر کس آب و خاکی در اختیار داشته باشد و (کشت و کاری نکند و) فقیر بماند، خدا او را از رحمت دور سازد زیرا آب، رمز



زندگی است و خاک، خواه زمین یا معدن رمز تولید است» (حمیری، ۱۴۱۳: ۱۱۵). تأکید امیرمؤمنان علی (ع) بر اهمیت بخش کشاورزی در حوزه تولید، علاوه بر اهمیت واقعی سهم این بخش در ایجاد اشتغال سازنده و مفید و گسترش اشتغال مولد، نشان دهنده این نکته می‌باشد که هر گاه فرهنگ تولیدی در جامعه تضعیف شود، بر دولت و کارگزاران آن لازم است برای بازگشت و تصحیح فرهنگ تولید، سرمایه‌گذاری‌های ضروری انجام دهند، تا امنیت اشتغال و درآمد هم در بخش تولید تضمین شود (جهانیان، ۱۳۸۱: ۴۲).

۶. توسعه دامداری در اشتغال مولد تولید

دامداری از نظر اهمیت، هم‌شان و هم‌تراز کشاورزی است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در دوران جوانی گوسفند پرورش می‌داد. با ظهور اسلام، سرزمین‌های زراعی فتح شدند و به قلمرو اسلام پیوستند. در نتیجه از اهمیت دامداری به شکلی که در جزیره العرب متداول بود، کاسته شد. پس از فتح عراق، مصر و ری، هر خانواده‌ای صاحب زمین کشاورزی شد و با درآمدهای زیادی که از این رهگذر به دست آمد، خانواده‌ها از پرداختن به دامداری و تحمل سختی‌های آن بی‌نیاز شدند و دیگر کسی حاضر نبود سختی‌های دامپروری را بر خود آسان کند. از این رو شیوه پرورش دام تغییر یافت. به موجب این تغییر چنان‌که در دستورات امام آمده است، مسلمانان می‌توانستند به جای آن‌که دام را به صحرا ببرند، در داخل مرزعه یا خانه به پرورش آن پردازند (دین‌پرور، ۱۳۹۴: ۶۹۴/۲). امیرالمؤمنین (ع) درباره اهمیت دامداری می‌فرماید: «فرشتگان، خانه‌ای را که در آن گوسفند باشد، مقدس می‌شمارند» (همان).

با این شیوه جدید، دامداری جایگاه واقعی خود را بازیافت و از خطر نابودی و انقراض در امان ماند؛ خطری که با توجه به پیشرفت گسترده اقتصادی در اثر فتوحات اسلامی و روی آوردن مردم به کار در زمین‌های کشاورزی، آن را تهدید می‌کرد. با این روش، امام (ع) این فعالیت اقتصادی و مولد را از نابودی رهانید (همان، ۶۹۵).

۷. بسامانی صنعت در اشتغال مولد تولید

در جامعه صنعتی امروز، صنعت بخش عمده اشتغال را تأمین می‌کند. ایجاد صنایع هم باعث می‌شود که تعدادی از افراد جامعه هم در بخش‌ها شغل‌های مولد و مفید داشته باشند و هم با ساختن



ابزارهایی به رونق بخش کشاورزی و گسترش آن در جهت بالا بردن اشتغال و تولید بیش تر در آن بخش کمک شایانی نمایند.

با ظهور اسلام و شروع فعالیت‌های جدید اقتصادی، شیوه زندگی در جزیره العرب دگرگون شد. رسول اکرم صلی الله علیه و آله مردم را به پیروی از این شیوه فراخواند. درگیری‌های نظامی با قریش، ساختن شمشیر، نیزه و دیگر ابزارهای دفاعی را بر مسلمانان تحمیل کرد. این کار موجب شد دغدغه روحی که مانع از پرداختن مسلمانان به چنین فعالیت‌هایی می‌شد، از بین برود. از روش‌هایی که برای تشویق مردم به کار می‌رفت تا به شغل‌های صنعتی روی آورند، ذکر داستان‌هایی از زندگی پیامبران و کارهایشان بود. امام علی علیه السلام نیز برای یارانش زندگی حضرت داوود علیه السلام را نقل می‌کرد که به هنگام جنگ زره می‌ساخت و به هنگام صلح، حصیر و زنبیل‌هایی از لیف خرما که برای حمل خرما از جایی به جایی دیگر استفاده می‌شد. (سید رضی، خطبه/۱۸۱) در ابتدا صنعت تنها محدود به رفع نیازهای ضروری بود و رونق کشاورزی و دامداری را نداشت (دین‌پرور، ۱۳۹۴: ۶۹۴/۲).

به همین دلیل است که امام علی علیه السلام ضمن توجه دادن مردم به راه‌های گوناگون اشتغال مولد و کسب درآمد، اشتغال و امرار معاش، بخش صنعت را هم مورد توجه قرار داده‌اند. در دیدگاه امام علی علیه السلام قوام طبقات کشاورز و کارمند لشکری و کشوری به وجود صنعتگران پیشه ور در بخش تولید است، زیرا اینها تقاضای کالاهای مورد نیاز مصرفی و سرمایه‌ای را پاسخگو هستند. (جهانیان، ۱۳۸۱: ۴۳) بدین جهت امام علیه السلام فرموده‌اند: «و کار این جمله [سپاهیان، کشاورزان، قضات، عاملان و نویسندگان] استوار نشود جز با بازرگانان و صنعتگران که فراهم می‌شوند و با سودی که به دست می‌آرند، بازارها را برپا می‌دارند و کار مردم را کفایت می‌کنند در آنچه که دیگران مانند آن نتوانند» (سید رضی، نامه ۵۳).

لذا اثر وجودی صنعتگران، کفایت کردن کار مردمان است، چون به یاری فکر و بازوی خود، مصنوعات از جمله کالاهای سرمایه‌ای و مصرفی را تولید می‌کنند که دیگران توان ساخت آنها را ندارند و کار بازرگانان این است که این مصنوعات را به بازارهای مصرف برسانند و چرخه تولید را استمرار بخشند (نظری، ۱۳۸۱: ۳۴).



۸. بسامانی تجارت در اشتغال مولد تولید

تجارت، نوعی کار تولیدی و مفید بوده و منافع حاصله از آن درآمد تولیدی محسوب می‌شود. چنانچه مصنوعات صاحبان صنعت به جهت کمک به بازارهای مصرف روانه نگردد، تولید صنایع ادامه نمی‌یابد و طبقاتی چون کشاورزان، نظامیان، قضات، کارمندان و... به کالاهای ابزاری و مصرفی مورد نیازشان دست پیدا نمی‌کنند. به همین دلیل امام علیه السلام استواری دیگر طبقات را به دو طبقه بازرگان و صنعتگر وابسته می‌داند. (نظری، ۱۳۸۱: ۳۴). وقتی که پیامبر صلی الله علیه و آله پیمان برادری را بین مهاجران و انصار برقرار کرد، مسلمانان بر شریان‌های اقتصادی مدینه مسلط شدند. انصار به کشاورزی پرداختند و مهاجرین به تجارت. از این پس تجارت در میان مسلمانان پیشرفت زیادی کرد. وقتی قلمرو حکومت اسلامی رو به گسترش نهاد و ثروت‌های زیادی در دست مسلمانان قرار گرفت، تجارت علاوه بر آن‌که عامل سودورزی بود، دو هدف دیگر را نیز دنبال می‌کرد (دین‌پرور، ۱۳۹۴: ۶۹۵/۲).

۱. بهره‌برداری مناسب از ثروت‌ها و جلوگیری از انباشت، رکود و بی مصرف ماندن اموال؛

۲. تجارت به‌عنوان عاملی برای صدور اسلام به سرزمین‌هایی که با اسلام آشنایی نداشتند.

ثمره این تفکر اسلام آوردن بسیاری از کشورهای اسلامی مانند اندونزی به‌دست تاجران مسلمان بود (دین‌پرور، ۱۳۹۴: ۶۹۵/۲). امام علی علیه السلام به پیروی از سنت رسول اکرم صلی الله علیه و آله به تجارت اهمیت می‌داد و مسلمانان را به آن تشویق می‌کرد: «به تجارت پردازید که شما را از آنچه در دست مردم است، بی‌نیاز می‌گرداند.» امام علی علیه السلام مسلمانان غیرعرب را نیز به تجارت وامی‌داشت، زیرا آنان از ویژگی کشورهای دیگر آگاهی داشتند. از این‌رو می‌توانستند به تجارت پردازند. امام علیه السلام خطاب به آنان می‌فرماید: «تجارت کنید. خداوند به شما خیر و برکت دهد. من از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که می‌فرمود: روزی ده جزء دارد که نه جزء آن در تجارت است و یک جزء در دیگر کارها.» امام در بخشی از سخنان خویش به زیبایی کار تجارت اشاره دارد که چگونه تاجر برای تجارت به دریا سفر می‌کند و به سیاحت جهان هستی می‌پردازد. امام علیه السلام در فرمان‌نامه خود به مالک در حمایت از تاجران می‌فرماید: آنان مایه‌های سودند و ابزار راحتی و آسایش را برای مردم فراهم می‌آورند و از دیار دور و نزدیک کشور، خشکی و دریا و سرزمین‌های ناهموار و کوهستان‌های صعب العبور را درمی‌نوردند؛ جاهایی که مردم با آن‌ها آشنا نیستند و جرأت رفتن بدان‌جا را ندارند و آن کالاهای را که در دسترس مردم نیست فراهم می‌آورند (سید رضی، نامه ۵۳؛ دین‌پرور، ۱۳۹۴: ۶۹۴/۲). بازرگانان، مظهر فعالیت‌های اقتصادی و کسب و کار مورد نیاز جامعه‌اند و بی‌گمان بسامانی آنان،



موجب بسامانی جامعه می‌شود، چرا که سرنوشت طبقات مختلف جامعه در عینیت و حیات اجتماعی به یکدیگر وابسته است. از همین روست که در آموزه‌های امیرمؤمنان علی علیه السلام این جایگاه، مهم و اساسی معرفی شده است: «بی گمان خدای عزّ و جلّ پیشه ور درستکار را دوست دارد» (کلینی، ۱۴۰۷ق: ۱۱۳/۵).

با توجه به حدیث فوق که امام فرموده‌اند خداوند پیشه ور درستکار را دوست دارد، انسانی که معتقد به تقوای الهی باشد و اینکه بر اساس توحید در اطاعت، اطاعت پذیری در برابر خداوند داشته باشد؛ لذا در تجارت درستکاری را سرلوحه خود نموده و این‌گونه در جهت جلب رضای خداوند بدنبال کسب حلال می‌رود.

بازرگانان و صنعتگران به عنوان بخشی مهم از گردانندگان اقتصادی جامعه، گذشته از تأمین قسمتی از نیازهای اقتصادی، مایه روانی زندگی و آسایش اجتماعی اند و چنانچه در جایگاه خود باشند و در پیوند با دیگر گروه‌ها در سامانی درست و عادلانه قرار گیرند و درستکاری را پیشه خود کنند، روابط اجتماعی هم در جامعه به واقع رو به سلامت و آسایش می‌رود (دلشاد تهرانی، ۱۳۹۵: ۲۲۹).

علاوه بر این امام علیه السلام در حکمت ۱۲۳ نهج البلاغه می‌فرماید: «خوشا به حال آنکه نفس اماره خود را ذلیل کند و کسبی حلال و پاکیزه به دست آورد» (سید رضی، قصار/۱۲۳).

یکی از عوامل موفقیت و نشاط در عبادت و استجاب دعا، کسب حلال است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۵: ۲۷/۱۳). امام علی علیه السلام بر لزوم پرهیزگاری و تفقه تاجر در حکمت ۴۴۷ نهج البلاغه تأکید کرده‌اند: «هر که بدون دانستن احکام کسب و تجارت به بازرگانی پردازد گرفتار ربا خواهد شد» (سید رضی، حکمت ۴۴۷).

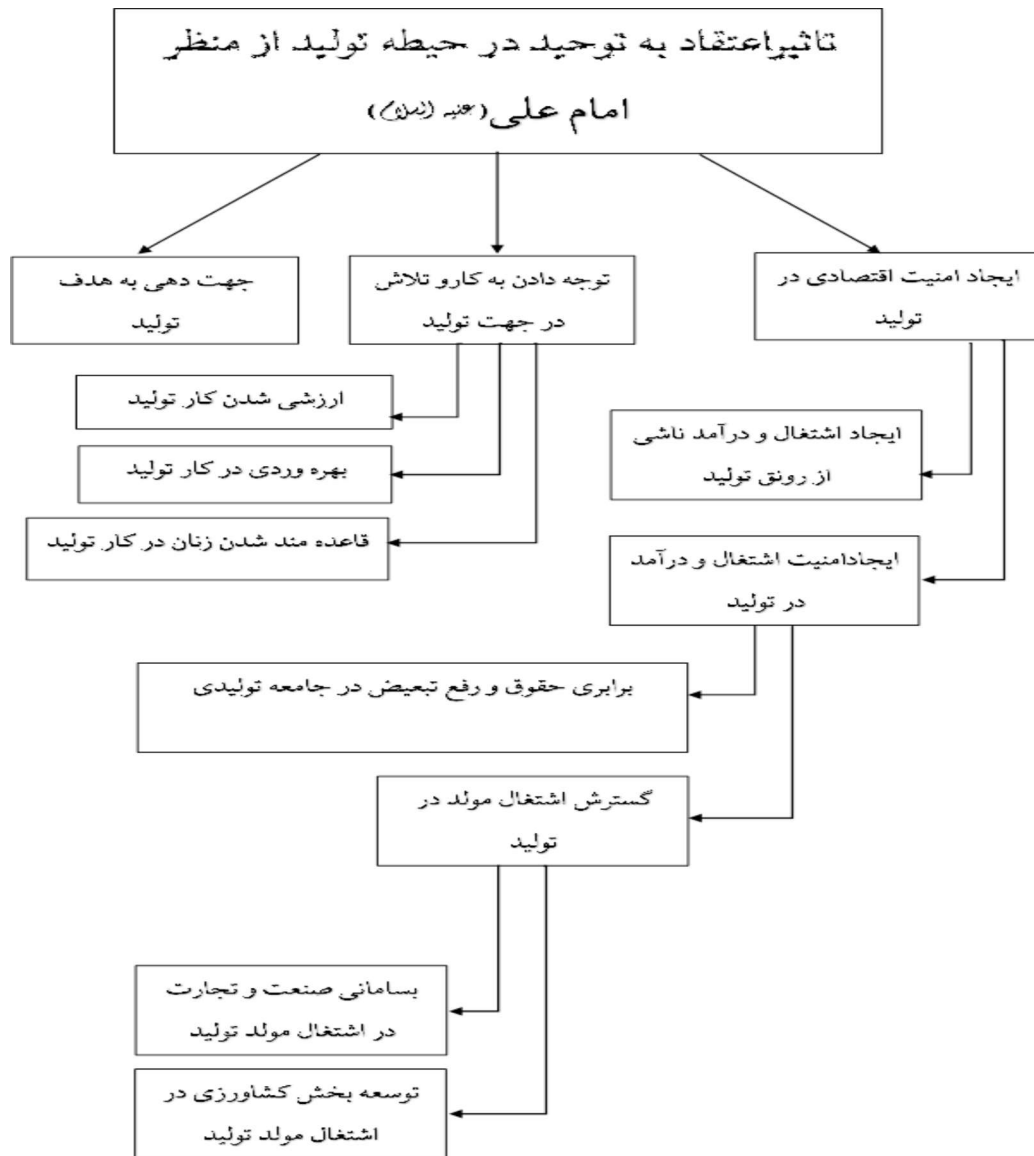
«اَزْتَمَمَ» از ماده «رطم» (بر وزن ختم) به معنی فرو رفتن در چیزی است که امکان بیرون آمدن از آن نیست و معمولاً تشبیه به گل و لای عمیق و باتلاق می‌کنند، که وقتی کسی در آن بیافتد قادر به خروج نمی‌باشد. در زبان عرب، ارتطام را به معنای فرو رفتن در چیزی دانسته‌اند که اگر هم کسی بتواند از آن بیرون بیاید همراه با اندوه و غم سنگین خواهد بود. آنچه مسلم است ورود در هر کاری بدون آگاهی از مسائل مربوط به آن، مشکل آفرین است به خصوص ورود در تولید و به تبع آن تجارت بدون آگاهی از فقه اسلامی انسان را گرفتار معاملات حرام و اعمال نامشروع می‌کند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۵: ۵۳۸/۱۵) در اقتصاد تولید محور آحاد جامعه منتفع خواهند شد که این در معاملات ربوی محقق نخواهد شد. در فرمایشات دیگری نیز امام علیه السلام بر در خطر بودن تاجر تأکید کرده‌اند، علت



مخاطرات این است که تاجر گمان کند با جمع کردن اموال خوشبختی را برای خود ذخیره کرده؛ در حالیکه ممکن است مال و ثروت برای او به عنوان هدف واقع شود و در عمل، روشها مورد غفلت قرار گیرند. چه بسا با هر روشی اگرچه غیر مشروع، درصدد افزایش مال و ثروت بر می‌آید و با این پندار، خود را به کم فروشی و ربا و دروغ گفتن و قسم‌های خلاف می‌اندازد؛ (محمدی ایوانکی و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۱۱) لذا بدین جهت است که حضرت به پرهیزگاری تجار در نامه ۳۱ نهج‌البلاغه تأکید فرموده‌اند: «بازرگان، خود را به خطر می‌اندازد و چه بسا مال و ثروت کم که از ثروت زیاد برکت بیشتری دارد» (سید رضی، نامه/۳۱).

نتیجه‌گیری

با توجه به ضرورتی که در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی توسط مقام معظم رهبری بیان شده بود ضرورت ایجاد می‌کرد که برای بیان نظریات اسلامی در باب اقتصاد و بخصوص در امر تولید تحقیقی صورت گیرد نتیجه این تحقیق که با هدف سؤال تأثیر اعتقاد به توحید در تولید از منظر امام علی (ع) انجام گرفت این موارد بود. که اعتقاد به توحید باعث جهت دهی به هدف تولید و توجه دادن به کار و تلاش در جهت تولید می‌شود. این توجه دادن به کار و تلاش در جهت تولید خود، زمینه ساز قاعده‌مند شدن زنان در کار تولید و ارزشی شدن کار تولید و بهره‌وری در کار تولید است. از طرف دیگر اعتقاد به توحید باعث ایجاد امنیت اقتصادی در تولید می‌شود که این امر باعث ایجاد امنیت اشتغال و درآمد در تولید و در نتیجه برابری حقوق و رفع تبعیض در جامعه تولیدی، گسترش اشتغال مولد در تولید و توسعه بخش کشاورزی در اشتغال مولد تولید و بسامانی صنعت و تجارت در اشتغال مولد تولید می‌گردد. (نمودار ذیل)





فهرست منابع

۱. رضایی اصفهانی، محمد علی و همکاران، نخستین ترجمه گروهی قرآن کریم، قم: دار الذکر، ۱۳۸۴ ش.
۲. ابن ابی الحدید، عبد الحمید بن هبة الله، شرح نهج البلاغة لابن ابی الحدید، محقق و مصحح: ابراهیم، محمد ابوالفضل، قم: مکتبة آية الله المرعشي النجفی، ۱۴۰۴ ق.
۳. ابن حیون، نعمان بن محمد مغربی، دعائم الإسلام، محقق و مصحح: فیضی، آصف، قم: مؤسسه آل البيت (ع)، ۱۳۸۵ ق.
۴. احمدی میانجی، علی، مکاتیب الأئمة عليهم السلام، محقق و مصحح: فرجی، قم، دار الحدیث، ۱۴۲۶ ق.
۵. اربلی، علی بن عیسی، كشف الغمة فی معرفة الأئمة (ط- القديمة)، محقق و مصحح: رسولی محلاتی، هاشم، تبریز: بنی هاشمی، ۱۳۸۱ ق.
۶. بحرانی، میثم بن علی بن میثم، ترجمه: شرح نهج البلاغه (ابن میثم)، مترجم: قربانعلی محمدی مقدم - علی اصغر نوابی یحیی زاده، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی ۱۳۷۵ ش.
۷. جهانیان، ناصر، امنیت اقتصادی، تهران: مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، ۱۳۸۱ ش.
۸. حسینی خامنه‌ای، سید علی، کتاب بیانیه گام دوم انقلاب خطاب به ملت ایران، تهران: انتشارات انقلاب اسلامی ۱۳۹۷ ش.
۹. حمیری، عبد الله بن جعفر، قرب الإسناد (ط- الحدیثة)، محقق و مصحح: مؤسسه آل البيت (ع)، قم، مؤسسه آل البيت (ع)، ۱۴۱۳ ق.
۱۰. دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، مبانی اقتصاد اسلامی، تلخیص و تکمیل: غلامرضا مصباحی و سیدهادی عربی، قم: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)، ۱۳۷۷ ش.
۱۱. دلشاد تهرانی، مصطفی، تراز حیات، تهران: انتشارات دریا، ۱۳۹۵ ش.
۱۲. دین‌پرور، سید جمال‌الدین، دانشنامه نهج البلاغه، تهران: انتشارات مدرسه، ۱۳۹۴ ش.
۱۳. سید رضی، نهج البلاغه، نسخه صبحی صالح، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.



۱۴. طبرسی، فضل بن حسن، نثر اللآلی، ترجمه: شیخی، مترجم: شیخی، حمید رضامحقق و مصحح: زبری قاینی، محمد حسن، مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی، ۱۳۸۴ ش.
۱۵. طهماسبی، کاظم و عبدالله اسکندری، روش های تولید، تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور، ۱۳۹۶ ش.
۱۶. عیاشی، محمد بن مسعود، تفسیر العیاشی، محقق و مصحح: رسولی محلاتی، هاشم، تهران: المطبعة العلمية، ۱۳۸۰ ق.
۱۷. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، الکافی، مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، تهران: دارالکتب الإسلامية، ۱۴۰۷ ق.
۱۸. مجلسی، محمدباقر بن محمد تقی، بحار الأنوار (ط- بیروت)، محقق و مصحح: جمعی از محققان، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.
۱۹. محمدی ایوانکی، محسن. رضا امرائی، ۱۳۹۸ ش، نظام اقتصادی در نهج البلاغه. تهران: چاپ اول، نشر نورعلم.
۲۰. محمدی، داود و محسن آیتی، کلیات اقتصاد، تهران: چاپ دوم، نور پردازان، ۱۳۷۸ ش.
۲۱. مدرس وحید، احمد، شرح نهج البلاغه (مدرس وحید)، قم: احمد مدرس وحید، بی تا.
۲۲. مفید، محمد بن محمد، الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، محقق و مصحح: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، قم، جلد ۲، چاپ اول، کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ ق.
۲۳. مکارم شیرازی، ناصر، جمعی از فضلا، پیام امام امیرالمؤمنین (ع)، تهران: دارالکتب الإسلامية، ۱۳۷۵ ش.
۲۴. نظری، حسن، کار و تولید، تهران: مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، ۱۳۸۱ ش.